

اثربخشی برنامه دانش‌افزایی تخصصی مادران بر خلاقیت کودکان تیزهوش

غلامعلی افروز^۱ PhD، جمیل یزدان‌پناه^{*} MA، حیدر کریمیان^۲ MA

^{*} دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۱ دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

اهداف: متخصصان معتقدند میزان خلاقیت را می‌توان با ایجاد محیط مناسب خانوادگی افزایش داد. با توجه به این که دوران کودکی حساس‌ترین مرحله رشد خلاقیت است، خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین عنصر در شکل‌گیری خلاقیت به‌شمار می‌رود. تحقیق حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه دانش‌افزایی تخصصی مادران در قلمروی خلاقیت، بر رشد خلاقیت کودکان تیزهوش آنها در پایه دوم ابتدایی انجام شد.

روش‌ها: این پژوهش نیمه‌آزمایشی در جامعه دانش‌آموزان کلاس دوم یکی از مدارس غیرانتفاعی شهر تهران در سال ۱۳۸۶ انجام شد. نمونه این تحقیق ۳۲ نفر بود که براساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابزارهای این پژوهش شامل تست هوش رنگی کودکان ریون و تست خلاقیت ژان لویی سلیه بود. طرح پژوهش شامل مراحل پیش‌آزمون، آموزش برنامه دانش‌افزایی تخصصی مادران، پس‌آزمون و مرحله پیگیری بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 15 تحلیل شد و از آزمون T همبسته و تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد.

یافته‌ها: تفاوت نمره پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش معنی‌دار ($p=0/001$) بود، ولی در گروه کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد ($p>0/05$). مقایسه نمره گروه آزمایش و کنترل در مرحله پیگیری تفاوت معنی‌داری نشان داد ($p=0/001$) و عملکرد گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بهتر بود که نشانگر پایداری اثر مداخله پس از دو ماه بود.

نتیجه‌گیری: والدین به‌عنوان عاملی اثرگذار، نقش موثری در خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند. طراحی و تدوین برنامه آموزشی مناسب برای والدین و مشارکت آنان در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را به دنبال خواهد داشت.
کلیدواژه‌ها: خلاقیت، رشد خلاقیت، دانش‌افزایی تخصصی، هوش

Effectiveness of mother's expert knowledge enhancing program on their genius children's creativity

Afroz Gh. A.¹ PhD, Yazdanpanah J.* MA, Karimian H.² MA

*Faculty of Educational Sciences & Psychology, Tehran University, Tehran, Iran

¹Faculty of Educational Sciences & Psychology, Tehran University, Tehran, Iran

²Faculty of Educational Sciences & Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

Abstract

Aims: Experts believe that creativity can be enhanced through providing proper family environment. Considering that childhood is the most sensitive stage of creativity development, family is known as the most important base of creativity formation. The aim of present study was to investigate the effect of mothers' expert knowledge enhancement program in the creativity field on their 2nd grade talented children's creativity development.

Methods: This semi-experimental study was carried out on 2nd grade children of a non-profit primary school in Tehran in 2007. The sample consisted of 32 students who were chosen by available sampling method and were randomly divided into two experimental and control groups. The data collection tools were Raven's test and Jean-Louis Sellier's creativity test. The research design consisted of pre-test, mothers' expert knowledge-enhancing program, post-test and follow up. Data were analyzed by SPSS 15 using paired T-test and repeated measures analysis of variance.

Results: There was a significant difference between the pre-test and post-test scores ($p=0.001$), but no significant difference was observed in the control group ($p>0.05$). The comparison of scores between the experimental and control group showed significant difference in the follow up stage ($p=0.001$) and the function was better in the experimental group in comparison with the control group that showed the stability of the intervention effects after two months.

Conclusion: Parents play an important and effective role in creativity development and educational progress of the students. Designing and composing proper educational programs for parents and their participation in the school's educational programs will bring about creativity and educational progress.

Keywords: Creativity, Creativity Development, Knowledge Enhancement Program, Intelligence

مقدمه

توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در هر جامعه مستلزم تربیت اجتماعی افراد متفکر، سازنده و کارآمد است. خانواده، آموزش و پرورش و آموزش عالی در این زمینه نقش اصلی را ایفا می‌نمایند. خلاقیت موهبتی الهی و همگانی است که ظهور آن، مستلزم پرورش آن است. توجه به گسترش و توسعه این توانایی با توجه به سرعت شگرف علم امری ضروری و حیاتی است. پیشرفت دانش و اطلاعات عمر مفید یافته‌های علمی را به سرعت کاهش داده است، بنابراین این موضوع بسیاری از جوامع را بر آن داشته که به بازنگری اساسی نظام آموزشی از پیش‌دبستان تا دانشگاه پرداخته و آموزش نقش‌سازشی و سنتی خویش را به نقشی زایشی و خلاق تغییر دهد [۱]. در سال‌های اخیر روش‌های برخورد با نیازهای متنوع کودکان با استعداد و تیزهوش در طول رشد آنها مورد بررسی قرار گرفته است و بسیاری از کشورها از مدت‌ها قبل به اهمیت رشد و توانایی‌های تیزهوشان خود پی برده‌اند.

پیتر کانگدون اعتقاد دارد که می‌بایست با توسل به برتری و قدرت بر مشکلات فایز آیم. آنهایی که می‌توانند این قدرت و برتری را به‌وجود آورند، افراد تیزهوش هستند. به نظر گنگی تیزهوشی به داشتن و استفاده کردن از توانایی‌های طبیعی که به‌طور خودانگیز تظاهر پیدا می‌کند و بدون آموزش قبلی (غیراکتسابی) است، اطلاق می‌شود و کودک یا بزرگسال حداقل در یک توانایی در جایگاهی قرار می‌گیرد که در مقایسه با همسالان خود جزء ۱۵٪ اول بالای منحنی قرار می‌گیرد [۲]. بدیهی است که وجود نیروهای انسانی با استعداد، تیزهوش، متخصص و کارآمد یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی در هر کشوری است [۲]. با عنایت به جوان بودن جمعیت کشور ایران، به‌ویژه وجود دانش‌آموزان و دانشجویان با استعداد درخشان، از یک سو، مطالعه خصوصیات فردی و خانوادگی و پی‌بردن به خاستگاه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان به مثابه نیروهای پویا، فعال و سرمایه‌های کشور در جهت کشف و شکوفایی استعدادها و بهره‌مندی جامع از توانمندی‌ها، خلاقیت و نیروهای فکری و علمی آنان ضروری می‌نماید. از سوی دیگر آگاهی‌یافتن از خصوصیات آنان، ضرورت برنامه‌ریزی متناسب با توانایی آنان و حفظ و پرورش بهتر این استعدادها و سرمایه‌های ملی را ایجاب می‌کند. برای رسیدن به این هدف، طراحی و اجرای شیوه‌های موثر آموزش و پرورش با افراد با استعداد و تیزهوش ضروری است. اهمیت و ضرورت خلاقیت و فرآیند رو به رشد آن در عصر امروز، محققان و برنامه‌ریزان آموزشی را متوجه تحلیل و بررسی خلاقیت از زوایای گوناگون نموده است. با توجه به انواع برنامه‌ها، اهداف، محتوا و امکانات آموزشی، خانواده می‌تواند همسو با آموزش مدارس نقش موثری در فعال‌سازی یا تخریب توانایی خلاق کودکان ایفا کند. لذا از مدت‌ها پیش بازنگری در برنامه‌های درسی و آموزشی و اصلاح آن در جهت کمک به توسعه توانایی خلاق کودکان و نوجوانان، محور توجه اغلب جوامع بوده است.

ما نیز برای احیای این استعداد و توانایی، نیازمند تحول اساسی و عمیق در نظام آموزشی خود هستیم. این امر نیز مستلزم آن است که موقعیت کنونی خود را بشناسیم تا بتوانیم برای ارتقای نظام آموزشی خود برنامه‌ریزی کنیم.

با تاملی در نظام آموزشی کشورمان می‌توان دریافت که فاصله ما با آنچه می‌تواند زمینه‌های رشد و توسعه خلاقیت در کودکان و نوجوانان را فراهم آورد بسیار زیاد است. لذا توجه و پژوهش درباره عناصر مختلف آموزش و نقش آنها در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان از اهمیت خاصی برخوردار است. از بین عناصر و عوامل موثر آموزشی، والدین و معلمان نقش کلیدی ایفا می‌کنند. خلاقیت موهبتی است که در تمام انسان‌ها بالقوه موجود است، اما ظهور و گسترش آن مستلزم شرایط مناسب است [۱]. در حالی که خلاقیت استعدادی بالقوه و همگانی است، چه بر سر این توانایی شگفت‌انگیز می‌آید که به گفته تورنس منحنی خلاقیت بسیاری از کودکان حدود ۱۰ سالگی افت پیدا می‌کند و هیچ‌گاه به حالت اولیه باز نمی‌گردد. در ریشه‌یابی علل، محیط‌های غیررسمی و رسمی، عدم توجه لازم و کافی به آموزش و پرورش پویا و خلاق به‌ویژه در سنین پیش‌دبستانی و دبستانی به‌عنوان عامل اساسی مطرح شده است [۳].

در تحقیقات متعددی ثابت شده است ظهور خلاقیت با موقعیت خانوادگی ارتباط نزدیکی دارد. متخصصان معتقدند میزان خلاقیت را می‌توان با ایجاد محیط مناسب خانوادگی افزایش داد. با توجه به این‌که دوران کودکی حساس‌ترین مرحله در رشد خلاقیت است، خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین عنصر در شکل‌گیری خلاقیت است. در سال ۱۹۹۵ در بخش آموزش دانشگاه بوفالو پروژه‌ای شروع شد که براساس الگوی پرنس آزبورن حل مساله خلاق به دانش‌آموزان با همکاری والدین آموزش داده شد و در اواخر چهاردهمین ماه گروه آموزش دیده با گروه غیرآموزش‌دیده مقایسه شدند که به‌طور متوسط ۹۴٪ از گروه آموزش‌دیده، ایده‌های بهتری خلق کردند [۴].

میلگرام موقعیت خانوادگی را از عوامل اساسی در تحقق توانایی‌های بالقوه انسان می‌داند. او استناد به تحقیقاتی می‌نماید که نشان داده‌اند رفتار و نگرش والدین و کمیت و کیفیت علایق آنها و نحوه تعامل آنها با بچه‌هایشان در رشد توانایی‌های فرزندانشان کاملاً موثر است [۵]. یافته‌های تورنس نشان داده که متغیرهای ۱- کیفیت گروه (همگن یا ناهمگن بودن)، ۲- رقابت، ۳- آموزش اصول صحیح برای فکر کردن در مورد عقاید و اندیشه‌ها، ۴- تاکید بر کیفیت در برابر کمیت یادگیری، ۵- تاکید بر تمرین‌های ارزشیابی‌نشده در برابر تمرین‌های ارزشیابی‌شده، ۶- تقویت تفکر خلاق، ۷- فعالیت‌هایی که به کودکان می‌آموزد که برای عقاید خلاق خود ارزش قایل شوند، بر تفکر خلاق اثر می‌گذارند [۶].

البرت و رانکو دریافتند بچه‌ها و بزرگسالانی که در ریاضیات و علوم سرآمد بوده و از نبوغ برخوردارند زمینه‌های خانوادگی متفاوتی نسبت به سایر افراد داشته‌اند. دو جنبه اساسی در خانواده‌های که فرزندان

علايق، صراحت و صداقت، بيش از ويژگي‌هاي بروني مانند رفتار هم‌نوا، كوشا و محبوب بودن و نمره خوب گرفتن اهميت مي‌دهند [۸]. *آماييل* كه گسترده‌ترين توصيف رفتار خلاق را در چارچوب روان‌شناسي اجتماعي ارايه كرده است (بعد از بررسي تحقيقات متعدد، در مورد عوامل اجتماعي) محيطي و نقش آنها در خلاقيت، نتيجه‌گيري كرد كه ارزشيابي، انتظار مورد ارزشيابي قرار گرفتن، پاداش رفتار خلاق، الگوبرداري و تسهيلات اجتماعي و آموزش، در خلاقيت تاثير بسزايي دارد. خلاصه تحقيقات حاكي از آن بود كه: انتظار مورد ارزشيابي و قضاوت قرار گرفتن، در خلاقيت تاثير منفي دارد. اين تحقيقات نشان داده كه انگيزش دروني مانند منبع كنترل دروني تسهيل‌كننده خلاقيت است، در حالي كه انگيزش بيروني بازدارنده خلاقيت است [۱۱]. نظريه پردازان ديگري از جمله *كروچفيلد* و *روگرس* نيز قبلاً نشان داده بودند كه محيط توام با فشار و نظارت شديد، مخل خلاقيت و محيط گرم، آرام و حمايت‌كننده تقويت‌كننده خلاقيت است [۱۲، ۱۳].

متخصصان معتقدند ميزان خلاقيت را مي‌توان با ايجاد محيط مناسب خانوادگي افزايش داد. با توجه به اين كه دوران كودكي حساس‌ترين مرحله رشد خلاقيت است، خانواده به‌عنوان بنيادي‌ترين عنصر در شكل‌گيري خلاقيت است. *ميكلام* موقعيت خانوادگي را از عوامل اساسي در تحقق توانايي‌هاي بالقوه انسان مي‌داند. او به تحقيقاتي استناد مي‌كند كه نشان مي‌دهند، رفتار و نگرش والدين، كميت و كيفيت علايق آنها و نحوه تعامل آنها با فرزندانشان در رشد توانايي‌هاي فرزندان كاملاً موثر است [۵].

بررسي تاثير برنامه آموزش خلاقيت معلمان بر خلاقيت، پيشرفت تحصيلي و خودپنداره دانش‌آموزان دوره ابتدائي شهر تهران عنوان تحقيق حسيني است. مطالعه به‌صورت نيمه‌تجربي و از طريق طرح *سالمون* انجام گرفته است. تحليل آماري داده‌ها تاثير برنامه آموزشي خلاقيت معلمان بر افزايش خلاقيت دانش‌آموزان و پيشرفت تحصيلي آنان را تاثير داده است، ولي تاثير برنامه بر خودپنداره تاثير نداشته است [۱۴]. در پژوهشي ديگر *عسگري* به بررسي تاثير روش‌هاي آموزشي خلاقيت بر ميزان خلاقيت دانش‌آموزان دختر پايه چهارم ابتدائي استان همدان پرداخت. نتايج تحقيق نشان داده كه روش‌هاي آموزش بارش مغزي، مهارت‌هاي پژوهشي، مطالعه خلاق، تدريس فعال (حل مساله و بحث گروه‌اي)، استفاده از راهكارهاي افزايش خودپنداره و ابراز وجود، آشنا كردن معلمان با خلاقيت و ارزش و اهميت آن و استفاده از برنامه‌هاي آموزشي انعطاف‌پذير در كلاس بر خلاقيت دانش‌آموزان دختر پايه چهارم ابتدائي تاثير مثبت دارد [۱۵]. *مشايخ* در پژوهشي بررسي تاثير سبك رفتار رهبري معلم بر خلاقيت دانش‌آموزان ابتدائي شهرستان كازرون را مورد مطالعه قرار داد. نتايج تحقيق بيانگر اين است كه دانش‌آموزان معلمان داراي سبك تلفيقي نسبت به دانش‌آموزان معلمان با سبك رفتار رهبري و وظيفه‌مدار يا رابطه‌مدار خلاقيت بالاتري دارند [۱۶]. در تحقيقي ديگر *ميرلوحی* و همكاران به

خلاق دارند، وجود يك ارتباط مثبت بدون وابستگي زياد بين والدين و كودك و وجود يك جو آزاد و غيرمستبدانه است [۷]. تحقيقات *گنزل* و *جكسون* اين نكته را تاثير داده است كه نتيجه مطالعات بر اين دلالت دارد كه والدين كودكان خلاق در روش‌هاي تربيتي‌شان به‌ندرت از استبداد و محدوديت‌هاي انضباطي استفاده مي‌كرده‌اند. اين كودكان از آزادي بيشترى در رفتار و تصميم‌گيري برخوردار بودند، در حالي كه كودكان كمتر خلاق داراي خانواده منظم و بيش از حد تميز بودند. مادراني كه از فرزندانشان بيشتر مراقبت مي‌كردند، فرزندان كمتر خلاق داشتند. مراقبت زياد والدين از كودك موجب مي‌شود كه او هرگز فرصت تجربه‌كردن و آموختن را نداشته باشد، در حالي كه خلاقيت و ريسك‌كردن توام با يكدیگرند، زيرا اگر شخص همواره محتاطانه راه خويش را انتخاب كند، هرگز نمي‌تواند دست به كار تازه‌اي بزند [۸].

كروپلي در مقايسه كودكان خلاق با غيرخلاق به اين نتيجه رسيد كه والدين كودكان خلاق معتقد به دادن استقلال به كودكان هستند و اراده و خواست آنها را مي‌پذيرند و به آنها حق مي‌دهند با والدين خود موافق نباشند. دادن استقلال به كودكان و آزادي فكر و عمل آنها موجب كم‌شدن اتكاي آنها به ديگران مي‌شود و در نتيجه مي‌توانند با فكر و تجربه و عمل خويش قوه ابتكارشان را به كار گيرند [۹]. انسان‌گراياني مانند *راجرز* و *مزلو* معتقدند استقلال دروني، عدم وابستگي، مقاومت در برابر كنترل اجتماعي افراطي براي فعاليت خلاق ضروري است. بنابراین نقش الگوي والدين نيز داراي اهميت خاص است. والديني كه خود ابتكار عمل داشته باشند، الگوي مناسبی برای برانگيختن كودكان در ابداع و خلاقيت هستند. جو عاطفي خانواده با رشد خلاقيت كودكان ارتباط مستقيم دارد. روابط مودت‌آمیز بين افراد خانواده موجب احساس امنيت رواني در كودكان مي‌شود و كودك اعتماد به نفس لازم را برای ابتكار و خلاقيت را خواهد داشت. *گوان* رابطه خلاقيت با رشد عاطفي را مورد توجه قرار داده و به اين نتيجه رسيده است كه كودكان در يك محيط امن رواني به‌راحتي خطرها را تجربه كرده و به آساني قوه ابتكار خويش را به كار مي‌گيرند. بچه‌ها ابتدا بايد محيطشان را بپذيرند، سپس خود و در نهايت دنيا را. عشق به والدين نيز در خلاقيت كودكان تاثير بسزايي دارد [۱۰].

گنزل و *جكسون* مطالعات گسترده‌اي، در چارچوب وضعيت اجتماعي، در زمينه شرايط خانوادگي و خلاقيت به عمل آوردند و نشان دادند كه چند عامل اساسي، محيط خانوادگي خلاق و محيط خانوادگي غيرخلاق را از يكدیگر متمايز مي‌كند. در خانواده‌هاي خلاق، تعداد مادران شاغل بيشتر از خانواده‌هاي غيرخلاق است. اين مادران، در روش‌هاي تربيتي خود كمتر بر رفتارها و خصوصيات منفي فرزندان خود تاكيد مي‌كنند و بعضی از خصوصيات از جمله "ناهمنوایی" را كه مادران ديگر، به‌ويژه مادران كودكان غيرخلاق، نامطلوب مي‌دانند و تضعيف مي‌كنند، ناخوشايند نمي‌دانند. خانواده‌هاي خلاق به ويژگي‌هاي دروني مانند پايبندی به ارزش‌ها، داشتن طيف وسيع

بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده و خلاقیت دانش‌آموزان کلاس چهارم و پنجم دبستان شهر اصفهان پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که بین خلاقیت دانش‌آموزان با پاسخدهی عاطفی و مشارکت عاطفی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ولی بین خلاقیت و سایر زیرمقیاس‌های جو عاطفی خانواده رابطه معنی‌داری وجود نداشت [۱۷]. تحقیق حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه دانش‌افزایی تخصصی مادران در قلمروی خلاقیت بر رشد خلاقیت کودکان تیزهوش آنها در پایه دوم ابتدایی طراحی و به انجام رسید.

روش‌ها

در این پژوهش نیمه‌آزمایشی که در جامعه دانش‌آموزان کلاس دوم مدرسه غیرانتفاعی تیزهوشان نیکان در سال تحصیلی ۷-۱۳۸۶ انجام شد، طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه مورد استفاده قرار گرفت. در ابتدا آزمون هوش رنگی ریون از تمام دانش‌آموزان کلاس دوم مدرسه غیرانتفاعی تیزهوشان نیکان گرفته شد و در بین آنان ۳۲ دانش‌آموز که نمرات هوش آنها ۲ واحد بالاتر از میانگین هوش جامعه (۱۳۰) یا بالاتر بود، به‌عنوان نمونه اصلی انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار داده شدند. مادران گروه آزمایش نیز به‌عنوان گروهی که باید تحت آموزش برنامه دانش‌افزایی تخصصی خلاقیت قرار گیرند، انتخاب شدند.

الف) آزمون هوش رنگی کودکان ریون: آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده ریون دو فرم دارد که اولی دارای ۶۰ تصویر است و به ۵ سری ۱۲ تایی تقسیم شده است (سری‌های A, B, C, D, E). این فرم در سال ۱۹۳۸ تهیه شده و از سنین ۵ تا ۶۵ سال کاربرد دارد، یعنی هم روی کودکان و هم بزرگسالان آن را می‌توان اجرا کرد. فرم دوم ۳۶ تصویر دارد که بیشتر آنها رنگی است و در سال ۱۹۴۷ تهیه شده است. این فرم روی کودکان ۵ تا ۹ ساله و عقب‌مانده‌های ذهنی کاربرد دارد. هر دو فرم به‌صورت فردی و هم به‌صورت گروهی قابل اجراست. آزمون ریون شامل ماتریس‌ها یا سری تصاویر انتزاعی است که یک توالی منطقی را به‌وجود می‌آورند و با درجه دشواری فزاینده‌ای پیچیده شده‌اند. آزمودنی‌ها باید از میان ۶ تا ۸ تصویر جداگانه پایین، تصویری را انتخاب کند که ماتریس بالایی را تکمیل کند.

ب) آزمون خلاقیت ژان‌لویی سلیه: این آزمون شامل سه بخش خلاقیت کلامی، تکمیل تصاویر و تفسیر تصاویر و برای پایه‌های پیش‌دبستانی و دبستان مناسب است. این آزمون فرانسوی برگرفته از کتاب آزمون‌های روانی و تفاوت‌های فردی دکتر حمزه گنجی است. برای بررسی اعتبار آزمون خلاقیت ژان‌لویی سلیه، از ۸ نفر از متخصصان روان‌سنجی و روان‌شناسی نظرخواهی شد و همگی آن را تایید کردند. در ضمن این آزمون در طرح‌های تحقیقی دیگری نیز از جمله حجازی و همکاران (۱۳۸۶) و غیره در داخل کشور مورد استفاده قرار گرفته است.

پژوهش در ۴ مرحله و آموزش برنامه دانش‌افزایی تخصصی به‌وسیله

محقق صورت گرفت.

۱- مرحله پیش‌آزمون: در این مرحله آزمون خلاقیت ژان سلیه در اختیار دانش‌آموزان هر دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفت و از آنها خواسته شد با توجه به زمان در نظر گرفته‌شده به سؤالات پاسخ دهند و راهنمایی‌های مورد نیاز به آنها داده شد.

۲- مرحله برنامه دانش‌افزایی تخصصی مادران در قلمروی خلاقیت: هفته اول آموزش پس از پیش‌آزمون اولیه آغاز شد و ۸ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای به طول انجامید. گروه کنترل (مادران) هیچ آموزشی دریافت نکردند. جلسات آموزش به‌صورت فعال برگزار می‌شد و به‌خصوص در جلسات اولیه پرسش و پاسخ زیاد مطرح می‌شد. برنامه آموزش تخصصی مادران در ۸ جلسه که شامل موارد زیر است، به‌صورت گروهی با مادران گروه آزمایش انجام گرفت. در جلسه اول (بیان توضیحات نظری در مورد ماهیت خلاقیت و انواع آن) ابعاد شناختی، انگیزشی و غیرشناختی و همچنین مهم‌ترین ویژگی‌های تفکر واگرا از جمله سیالی، اصالت، انعطاف‌پذیری و بسط آموزش داده شد. در جلسه دوم (آموزش نحوه شکل‌گیری فکر خلاق) نیز چند مرحله ظهور یک اثر خلاق از جمله آمادگی، رشد نهفته، اشراق و بررسی و ارزیابی آموزش داده شد. در جلسات سوم و چهارم عوامل موثر در خلاقیت، در جلسه پنجم شیوه‌های عملی در پرورش فرزندان خلاق و در جلسات ششم تا هشتم فعالیت‌های کاربردی والدین در منزل آموزش داده شد [۱۸].

۳- مرحله پس‌آزمون: در این مرحله نیز پس از یک ماه از آخرین جلسه آموزش آزمون خلاقیت ژان سلیه در اختیار دانش‌آموزان هر دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفت و از آنها خواسته شد با توجه به زمان در نظر گرفته‌شده به سؤالات پاسخ دهند و راهنمایی‌های مورد نیاز به آنها داده شد.

۴- مرحله پیگیری: در نهایت برای سنجش پایداری تاثیر آموزش آزمون خلاقیت ژان‌لویی سلیه پس از گذشت دو ماه از آخرین جلسه آموزش اجرا شد.

برای توصیف ویژگی‌های آزمودنی‌ها از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد با کمک نرم‌افزار SPSS 15 و برای بررسی و استنباط تاثیر متغیر آزمایش از روش‌های آمار استنباطی از جمله آزمون T همبسته و تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد.

نتایج

نمرات پیش‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه اختلاف معنی‌داری نداشت ($p > 0/05$). میانگین نمره پس‌آزمون گروه آزمایش $9/93 \pm 0/68$ و میانگین نمره پس‌آزمون گروه گواه $6/31 \pm 0/7$ بود. تفاوت نمره پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش معنی‌دار ($t = 2/07$ ؛ $p = 0/046$ ؛ $\text{Sig} = 0/001$) بود ولی در گروه کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد ($p > 0/05$)؛ آموزش برنامه دانش‌افزایی تخصصی مادران

بر خلاقیت فرزندان آنان تاثیر معنی دار مثبت داشت (جدول ۱). مقایسه نمره گروه آزمایش و گواه در مرحله پیگیری تفاوت معنی داری نشان داد ($p=0/001$) و عملکرد گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بهتر بود که نشانگر پایداری اثر مداخله پس از ۲ ماه بود. تعامل آزمون‌ها با گروه معنی دار ($p=0/001$) بود و در گروه آزمایش، تفاوت معنی داری بین پیش آزمون و پس آزمون‌ها مشاهده شد (جدول ۲).

جدول ۱) میانگین نمرات آزمون هوش گروه آزمایش و گواه در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری

مرحله ← ↓ گروه	پیش آزمون	پس آزمون	پیگیری
آزمایش	۴/۹۳±۰/۶۸	۹/۱۸±۰/۹۱	۹/۹۳±۰/۶۸
کنترل	۴/۸۷±۰/۹۵	۵/۴۳±۰/۸۱	۶/۳۱±۰/۷۰

جدول ۲) آزمون اثر درون گروهی برای بررسی اثر تکرار نمرات خلاقیت و تعامل آن با گروه

منبع تغییرات	SS	df	MS	F	Sig
آزمون	۱۷۹/۳۱	۲	۸۹/۶۵	۳۸۷/۷۰	۰/۰۰۱
آزمون×گروه	۷۰/۱۴	۲	۳۵/۰۷	۱۵۱/۶۶	۰/۰۰۱

بحث

این تحقیق به منظور بررسی اثربخشی برنامه دانش افزایی تخصصی مادران در قلمروی خلاقیت بر خلاقیت کودکان تیزهوش آنها انجام شد و نتایج نشان داد که آموزش برنامه دانش افزایی تخصصی مادران در قلمروی خلاقیت بر خلاقیت فرزندان آنان تاثیر مثبت داشته است و پس از اندازه گیری مکرر، باز گروه آزمایش عملکرد بهتری نسبت به گروه کنترل داشته است. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق حسینی در رابطه با برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی و همچنین تحقیق عسگری در زمینه تاثیر روش‌های آموزش خلاقیت بر میزان خلاقیت دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی همسو است. در این رابطه مولیس و همکاران عوامل موثر بر عملکرد سواد خواندن دانش آموزان را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: عوامل مربوط به دانش آموز، والدین، معلم و مدرسه و برنامه درسی [۱۸].

طبق نظر مولیس و همکاران، والدین یکی از عوامل اثرگذار بر سواد خواندن دانش آموزان هستند. با توجه به نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه، آگاهی والدین در زمینه برنامه‌های آموزشی و عوامل اثرگذار بر پیشرفت تحصیلی، نقش مهمی بر پیشرفت تحصیلی فرزندان آنان داشته است. در برنامه‌های آموزشی کنونی، نقش والدین به عنوان افراد تاثیرگذار در رشد خلاقیت و پیشرفت تحصیلی فرزندان حلقه مغفول است و نقش آنها صرفاً در حد حمایت مالی از فرزندان نشان منحصر شده است. بنابراین نیاز است والدین در برنامه‌ریزی‌های

اثربخشی برنامه دانش افزایی تخصصی مادران بر خلاقیت کودکان تیزهوش ۴۹ درسی، ارزشیابی و جریان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دخالت داشته باشند. همچنین نیاز است برنامه‌های آموزشی مناسب در زمینه خلاقیت برای آنها طراحی و اجرا شود. زیرا آگاهی والدین در این زمینه می‌تواند نقش موثری ایفا کند و عدم مشارکت آنان زنگ خطری برای نظام آموزشی است. براساس یافته‌های تحقیق پیشنهادی برای والدین، برنامه‌ریزان و مربیان آرایه شد که نمونه‌ای از آنها عبارتند از پیشنهاداتی برای والدین؛ والدین در رشد استعداد، به ویژه زمانی که کودکان بسیار کم سن هستند، نقش مهمی دارند. در یک تحقیق وسیع، بلوم به این نتیجه رسید که خانواده‌هایی که از استعداد کودکان خود حمایت می‌کردند، در وجود استعداد پرورش یافته بزرگسالی آنها نقش مهمی داشتند.

والدین به استعداد کودکانشان احترام بگذارند و از رشد آنها حمایت کنند. فریدمن و مونتگامری معتقدند والدین معمولاً اولین کسانی هستند که استعداد غیرعادی را در کودکانشان شناسایی می‌کنند و وقتی والدین از آن حمایت کنند و فرصت‌های لازم را فراهم کنند، پیشرفت واضح تری حاصل می‌شود. والدین در پذیرفتن استعداد موجود توسط فرزندانشان و مشتاق کردن آنها برای توسعه استعداد نقشی غیرقابل انکار دارند. والدین تا جایی که می‌توانند تجربیات و منابع لازم برای رشد استعداد فرزندانشان را تامین کنند. غیرممکن است که مدارس به تنهایی بتوانند نقشی جامع در پرورش استعداد افراد داشته باشند. استعداد وقتی به حداکثر می‌رسد که مدرسه و خانواده سعی کنند منابع خود را با هم ترکیب کنند. سایه حمایتی خانه می‌تواند امن ترین جا برای گسترش توانمندی‌ها باشد. والدین در آموزش رسمی فرزندان خود نقش مهمی دارند [۱۹]. تمام مربیان می‌دانند که دانش آموزانی که والدینشان در آموزش رسمی آنها دخیل‌اند، موفق تر هستند. هیچ جایگزینی برای والدین در امر پرورش استعداد کودکانشان وجود ندارد. فریدمن و مونتگامری روی فهرست هستر، درباره هفت فایده مشارکت والدین تاکید کرده‌اند. این فواید عبارتند از دستاوردهای بهتر، رفتار بهتر، انگیزه بیشتر، حضور مداوم، نمرات فارغ التحصیلی بالاتر، نگرش مثبت نسبت به کار در منزل (تکالیف) و افزایش حمایت والدین و جامعه. نباید فراموش شود که این والدین هستند که استعداد را شناسایی می‌کنند، سرمایه‌گذاری می‌کنند، وسایل و لباس را برای آنها فراهم می‌کنند و بچه‌ها را به محل فعالیت‌های فوق برنامه می‌رسانند. وقتی والدین در کمیته‌های مدرسه شرکت کنند، می‌توانند در رشد کودکانشان حرف بیشتری بزنند. والدین حتی می‌توانند تجربیات خود را هم در طرح برنامه وارد کنند. والدین برای بهبود اقدامات برنامه‌ریزان اطلاعات لازم را در اختیار آنها بگذارند. معمولاً والدین هستند که بهترین اطلاعات را برای ترسیم نیمرخ توانایی‌های فرزندان خود دارند، آنها می‌توانند پیشرفت توانایی‌های کودک خود را پیگیری کنند. والدینی که با مدرسه فرزند خود به طور کامل در ارتباط هستند در واقع شانس فرزند خود را برای داشتن تجربه‌های آموزشی جامع افزایش می‌دهند.

تحصیلی دانش‌آموزان دارند. طراحی و تدوین برنامه آموزشی مناسب برای والدین و مشارکت آنان در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس منجر به شناخت بیشتر آنها از برنامه‌های آموزشی و نحوه برخورد با فرزندان می‌شود و در نهایت، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی را به دنبال خواهد داشت.

منابع

- 1- Hosaini A. effect of training creativity programs on knowledge, attitude and educator skills. Tehran: Institution of Research and Planning of Education; 2002. [Persian]
- 2- Borli P. Identification and education of gifted talents. Sohrabi F, Karami A, translators. Tehran: Ravansanji Publication; 2005. [Persian]
- 3- Shahraray M. Analysis of creativity in children. J Psychol Educ. 2001;2(33):5-8. [Persian]
- 4- Pirtoji N. Development and training of talent children and adults. Golshani F, Dalali N, translators. Tehran: Ravan Publication; 2007. [Persian]
- 5- Milgram A. Creativity: Any idea whose time has come and gone? In: Runco MA, Albert RS, editors. Theories of creativity. Newbury Park CA: Sage Publication; 1990.
- 6- Torrence EP. Education and the creative potential. Minnesota: University of Minnesota; 1968.
- 7- Runco MA, Chand I. Cognition and creativity. Educ Psychol Rev. 1995;7:243-67.
- 8- Getzels JW, Jackson PJ. Creativity and intelligence: Explorations with gifted students. New York: John Wiley and Sons; 1962.
- 9- Cropley AJ. More ways than one: Fostering creativity. 4th ed. Norwood, NJ: Aplex Publication; 1962.
- 10- Gowan JC. The development of the creative individual. San Diego, CA: Knapp Publication; 1972.
- 11- Amiable Teresa M. The social psychology of creativity. New York: Spring Verlag Publication; 1983.
- 12- Crutchfield RS. Conformity and creative thinking. In: Gruber H, Terrell G, Wertheimer H, editors. Contemporary approaches to creative thinking. NYC: Atherton Publication; 1962.
- 13- Rogers CR. Toward a theory of creativity. ETC. 1954;11:149-260.
- 14- Hosaini A. Effect of training creativity programs on creativity, educational achievement and student self-concept. J Educ Innov. 2008;6(23):148-68. [Persian]
- 15- Asgary M. The impact of the creativity training methods on elementary fourth grade student creativity. J Psychol Res. 2008;20:82-98. [Persian]
- 16- Mashayakh P, Barzida A. The effect of leadership behavior style on student's creativity in Kazeroun city. J New Ideas Educ Sci. 2011;1(6):131-44. [Persian]
- 17- Mirlaohi F, Maaolavi H, Atashpour SH. The relationship between emotional family atmosphere and the creativity of the fourth and fifth grade students of elementary. J Knowl Res Psychol. 2008;9(31):69-82. [Persian]
- 18- Mullis I, Kennedy A, Martin M, Sainsbury M. Assessment framework and specification. 2nd ed. Boston: International Association for the Evaluation Achievement; 2006.
- 19- Soleimani A. Apple of creativity, cognition and education of skills creative thinking. Tehran: Fararavoan Publication; 2005. [Persian]

پیشنهاداتی برای برنامه‌ریزان: برنامه‌ریزان ساختارهای سازمانی را تنظیم کنند که تداوم رشد استعدادها را فراهم نماید. با این هدف برنامه، نظیر برنامه‌ای که توسط آموزگاران منطقه لورنس در ایالت ایندیانا تحت نظارت فلدوسن بنا شد مفید به نظر می‌رسد که شامل چهار جزء مجزا بود: ظهور استعدادها (مهد کودک)، تشخیص و رشد استعدادها (کلاس ۱ تا ۵)، گسترش و به‌بارنشدن استعدادها (کلاس ۶ تا ۸) و بهینه‌سازی استعدادها (۹ تا ۱۲) [۱۸]. برنامه‌ریزی‌های مداوم و تعهد به برنامه‌های دارای دامنه وسیع، محور یک برنامه‌ریزی موفق است. نیاز است متخصصان در به‌کارگیری برنامه‌های کلان همه نیازهای دانش‌آموزان را مدنظر قرار دهند و در این ارتباط مشارکت با اولیا و اعضای موثر در جامعه ضروری به نظر می‌رسد. چنین برنامه‌ریزی‌های باید شامل شناخت موقعیت‌های بالقوه جهت کاربردی کردن برنامه‌ها در طی فرآیند برنامه‌ریزی، تقویت انگیزش افراد ذینفع و برنامه‌ریزی دقیق جهت شکوفایی همه‌جانبه نیازهای فراگیران باشد. برای داشتن دانش و فهم لازم به‌منظور ایجاد و تداوم برنامه پویا (که با نیازهای متغیر دانش‌آموزان هماهنگ باشد)، توسعه تخصصی باید مداوم باشد و توسط افرادی انجام شود که روی برنامه رشد استعداد تاثیر دارند و یا از آن تاثیر می‌پذیرند. محور این امر والدین و مربیان هستند که باید دانا باشند. برنامه‌ریزان، برنامه‌ای را طراحی کنند که شامل یادگیری مهارت‌های درازمدت برای زندگی باشد. محتوایی چالش‌انگیز که دانش‌آموزان را برای درگیر کردن عقاید پیچیده ترغیب کند. برنامه‌ریزان راهبرد ارزیابی پویایی را ترسیم کنند که راهنمای تصمیم‌گیری‌ها باشد.

پیشنهاداتی برای مربیان: مربیان محیط آموزشی را به‌گونه‌ای بسترسازی کنند که رشد توانمندی‌ها و حس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را ارتقا بخشد. به‌منظور ارتقای توانمندی‌ها، به‌طور دقیق‌تر استعداد آنها باید محیطی سازگار و ایمن ایجاد کرد و آنها را در تصمیم‌گیری‌های مترتب بر توانمندی‌هایشان به‌گونه‌ای درگیر کرد که حس مسئولیت‌پذیری فردی را تقویت کرده و آنها را فعالانه در فرآیند تشریک مساعی درگیر سازد. با انجام این کارها باید محیطی فراهم شود که فرد توانایی‌های خود را کشف کند و استعدادهایش را به نمایش بگذارد. مربیان در برنامه‌ریزی‌های عمده و هدفدار شرکت کنند. معلمین مشاهدات و نتیجه‌گیری خود از استعداد دانش‌آموزان را با خود آنان و والدینشان در میان بگذارند. این کار چند هدف دارد: دانش‌آموزان و والدینشان چیزهای جدیدی درباره استعداد یاد می‌گیرند، آنها خود را صاحبان اصلی این برنامه می‌بینند و منابع انسانی لازم برای این کار از این طریق افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

والدین به‌عنوان عاملی اثرگذار، نقش موثری بر خلاقیت و پیشرفت